

## یادداشت‌های سیاسی

خمینی ؛  
تشریح مجلس در حمایت سرمایه  
و متابعت از شورای نگهبان  
در صفحه ۱۴

## وسعت انقلاب واسطوره مقاومت

انقلاب با گام‌های بلند بجایگزین  
برد داشته‌است. تاریخ رقم می‌خورد و  
حماسه‌ها آفریده می‌شود. زندانها  
ابعاد نجومی بخود می‌گیرند، چوبه  
های تیرباران قدر است کرده‌اند و  
روزانه جوانان انقلاب را بر کشتزار تاریخ  
می‌نشانند. وحشیانه‌ترین شکنجه‌ها  
- ی قرون وسطائی به سخره برگزار  
میشوند. این رسم تاریخ است. این  
رسم تاریخ است که همه جزیه بیا فریتند.  
این رسم انقلاب است که نسل مقاوم  
خویش را پرورش دهد. انقلاب اوج  
میگیرد و در اوج خود نسل را تربیت  
میکند که شا یسته انقلاب است.  
انسان تاریخ را میسازد، تاریخ جوهر  
اجتماعی می‌باشد، اما تاریخ پیامد  
فعالیت انسانهای مجرد نیست.  
انقلاب بنا بر مضمون تاریخی خویش  
شوریدگی طبقات بقیه در صفحه ۲

## بررسی اشکال مبارزاتی کارگران و زحمتکشان (۲)

### خواستار

مهر ماه ۶۰ الی مهر ماه ۶۱

۱- جلوگیری از افزایش ساعات کار  
۲- اعتراض به دستگیری و اخراج ۳-  
رد انتخابات فرمایشی ۴- مخالفت  
با مزدوران انجمن اسلامی اداره -  
حراست (حفاظت) و جواز ختساق  
حاکم بر کارخانجات.

در یکسال گذشته، علیرغم رشود  
آگاهی کارگران و علیرغم اینکه در رابطه  
با هر اعتراضی و هر خفتی که از ایشان  
غایب میشود، مسئله را بلافاصله به کل  
رژیم مرتبط می‌نمایند و حکومت را بر زیر  
سئوال می‌برند، با اینحال مبارزات  
عملی آنها بطور عمد در زمینه اقتصادی  
و صنفی قرار داشته و خواسته‌های سیاسی  
در بعد محدودتری مطرح بوده‌است.  
خواسته‌های کارگران را در این محدود  
یکساله، میتوان حول ۳ محور جمع بندی  
کرد: ۱- جلوگیری از کاهش دستمزد  
و مزایا و مابله با سختی و شدت کار و

در شش ماهه دوم سال ۶۰، در  
مجموعه حرکت‌های اعتراضی کارگری گزارش  
شده، خواسته‌های صنفی نزدیک به  
دو برابر خواسته‌های سیاسی بوده‌است  
که از میان خواسته‌های سیاسی، اعتراضی  
به دستگیری بقیه در صفحه ۵

### در این شماره

● جنبش انقلابی خلق کرد  
در صفحه ۱۴

● بیانیه شرکت کنندگان در  
کنفرانس آبان ماه ۱۳۶۱  
(شاخه کردستان)  
در صفحه ۱۲

● خطاب به هبلتین  
در صفحه ۹

قسمت سوم

## پیش نویس

## قانون ارتجاعی کار آئینه تمام نمای رژیم

(دستمزد)

مواردی از پیش نویس فوق که بر اساس  
تجاوز آشکار به اولیه ترین حقوق کارگران  
محسوب میشود بر خورد خواهدیم  
کرد.

\* \* \*

اساساً در نظام سرمایه داری،  
تولید رابطه آرگانیک با نیروی کار  
دارد و طبقه کارگر که نیروی کار را تامین  
میکند در این بقیه در صفحه ۳

ما تا کنون در سلسله مقالاتی که در  
کار شماره ۱۶۰ و ۱۶۱ به چاپ  
رسید، ضمن بررسی کلی پیش نویس  
قانون کار و پر خورد به کلی ترین خطوط  
این قانون که به تحقیق ارتجاعی ترین  
قانون کار در سطح بین المللی است،  
به بخشی از مبحث قانون کار یعنی  
مسئله استخدام کارگران اشاره  
کردیم. در این قسمت از مقاله مسئله  
دستمزد و تامین اجتماعی و دیگر

کمیته‌های مخفی اعصاب را برای برپائی یک امتضاب عمومی سیاسی ایجاد کنیم

میگذارد که آیند مساوات تاریخ مبارزات بشری هستند. پس نسل انقلابی امروز نیز یک انسان مجرد نیست. انسان در ورناسازی است که به طبقه مسن و آیند هم شخصی تعلق دارد، به پروتاریای انقلابی، به سوسیالیسم. همدانسانهای کمونیست و همه اقشار و طبقات زحمتکشی که در این راستا قرار میگیرند این سرنوشت را رقم میزنند. تاریخ بیامد فصل معینسی است که در اینجا هیچ حوادث بزرگ سیر تکاملی خود را می پوید و به پیش میبرد. کنگار رفتن انسان اولیه با مغز و آهن، حماسه اسپارتاکوس و قیام بردگان، رنسانس اروپا، کمون پاریس، انقلاب کبیرا کترو حماسه آفرینی های انقلاب ویتنام و . . . جلوه گاه این فصول معین اند و انسان نیز در این نقاط عطف مشخص مضمون واقعی خود را پیدا میکند. مادر هر بشر تاریخ با انسانهای مشخصی رویه رو هستیم که هر کدام بنا بر تمایل و منافع طبقاتی خیزن در حوزه معینی از فعالیت اجتماعی قرار میگیرند و از آن دفاع میکنند. در این دوران تنها طبقه کارگر است که جایگاه ویژه ای دارد. عزم راسخ و تردید ناپید بر این نیروی بالنده اجتماعی، طومار ستم بورژوازی را در هم میپچد و اسطوره مقاومت در برابر همه تشنات بورژوازی جان میگیرد. در یکراقتار و طبقات اجتماعی که در این سمت قرار نگیرند وضعیت دیگری می یابند. درست در همین نقاط عطف است که تضاد منافع بروز میکند. تضاد بین حرکت تاریخی و منافع طبقاتی. در سر هر تند پیچ تاریخ، اقشار و طبقات بین راه از گردونه تاریخ خارج میشوند و به بیرون از آن پرتاب میگردند. در این میان روشن فکران خرد بورژوا که موقتا از جایگاه طبقاتی خویش بریده اند نیز باید در راستای حرکت تاریخ جهت گیری کنند یا روی چهار چوب تنگ طبقاتی خویش به صلیب کشید شوند. همه دیدها و تزلزلات در همین جابروزی میکند. آنارشیسم و فرمیسم با اختلاف زمانی محدود به یکدیگر می چسبند و به فقر تاریخ سقوط میکنند. اسارها و منشویکهای روسی در آلمان بشکل و شمایل شاید مانها و کائوتسکی هاد رمی آیند، در انگلستان بصورت هند رسونها و اسئونود نها

ظاهر میشوند و در ایران به سلسله روحانی ها، کیانوری ها خود نمایی میکنند. غالب است که اینها با دشمنی در برینهای که با هم داشتند در واقع از منافع طبقاتی خویش گوی سبقت را در رشوهای تلویزیونی از یکدیگر میسر یابند. اگر غار غور غارها میتوانست شاه راجات دهد، اگر تمریف و تمجید از اصلاحات ارتجاعی ترین حکومتها میتوانست یکروز بر عرش سلطنت پهلوی بیافزاید، امروز هم لاشائی ها و نیکخواه ها و هم تودهای ها و اکثریتی ها حال و روز دیگری داشتند! امروز اگر نادمین خیانت پیشه چشمان شرمگین خود را در برابر تاریخ و واقعیتهای تاریخی بسته اند، اما خود حضرات خمینی و دیگر سران حکومتی نیک میدانند که هیچیک از دلک بازیه ها و هوچی گیریهای این بوزینگان فرومایه نمیتواند برایشان چیرگی بیافریند.

کنگره چنی های اکثریتی و شرکا، حق دارند از میان مقاومت حماسه آفرین یک نسل انقلابی، جرجیس را انتخاب کنند و با آن بزم ضیافتی را که به افتخار ارتجاع ترتیب داده اند رنگین سازند. آنان حق دارند برای پرده پوشی خیانتهای خود بهر کسافتی چنگ بیاندازند. حق دارند از میلیون ها هزاران هزار لاله خون، جامه چرکین و اماندهای خود فروش را پرچم خود کنند. شاید هنوز هستند افرادی که طعمه این نغمه خوانی ها قرار میگیرند، هستند افرادی که باین تغاله های تاریخی با دلجوئی مینگردند، هستند هنوز کسانی که پشت "سابقه" خائنین به جستجوی اصالت "میگردند"، کسانی که میخواهند از اصالت خیانت سنگری بسازند و چهره متزلزل خود را بپوشانند.

کیست که امروزند اند در زندانهای قرون وسطای پر زیم چه میکند، کیست که امروزند اند "اویسن" مظهر مقاومت است! کیست که کند اند هر روز صد ها صد از نیروهای انقلاب باین دلیل به جوخه های مرگ سپرد میشوند که لب از لب نگشود هاند، کیست که کند اند دختران خرد سال شلاق جلا در رابه تازیانه نبرد گرفته اند! کیست که کند اند "اویسن" بازار قتل و عام فدائی و مجاهد است. پس دیگر بازار گرمی این شعبده بازیهاسپری شده است. امروز مقاومت قهرمانان صد ها هزار انقلابی جان بر کف طومار این ننگ را در هم بیچید ه است. تاریخ این سقوط شدگان را محو کرده است. بگذر از بورژوازی دشمنانک شود.

یکد از جنون آسار از قتل هزاران هزار فدائی کمونیست را بالای دار بسرد، یکد از هزاران هزار مجاهد را تیرباران کند، تخت شکنجه را در سراسر ایران بگسترده و کودگان خرد سال را سلاخی کند، یکد از خانه گرد بیهاوی گرد های جنون آمیز پلیسی را به تمام پهنه میهن بکشند و یکد از جفدهای شوم نغمه های سی جهنمی خود را از زیر مخروبه های انقلاب بسرد هاند، تاریخ کار خود را خواهد کرد. توده ها راه خود را بهتر خواهند جست. پرولتاریا آید و تر خواهد شد و انقلاب ریشه های عمیق تری خواهد گرفت. در این مقاومت آهنین که در یکر گوشت و پوست و خون را با آن کاری نیست، قلب خلقی است که می طبد، اسرار میلیونها میلیت و انسان زحمتکشی است که حراست میشود. اسطوره مقاومت توده انبوهی است که علیه وحشیانه ترین بیدار گریهای تاریخ بیخاسته است. اراد ه آیند ه خلقی است که می رود تا تاریخ خود را بسازد.

برشت میبرد: برج پیزارا چه کسانی بنا کردند؟ سنگهای عظیم تخت جمشید را چه کسانی روینم گذاشتند؟ قسطنطنیه را چه کسانی فتح کردند، پرچم طرفنمون انقلاب کبیرا کتیرا چه کسانی برافراشتند؟ تاریخ باخ میگوید: کارگران بطر و کارگران قزاقهای حاشیه دن، سربازان ارتش ناپلئون، کمونارد های پاریس، ژاگونیهای فرانسه، بسرک لیوفروش ضد بهرنگ. آری تاریخ محصول زندگی فعال میلیونها میلیون انسان شناخته و ناشناخته است. حال تصور کنید یک صحنه کمدی را که مثلا فلان کومندارد پاریس اسلحه را زمین میکند و کمون راترک میگرد یا فلان اجرینای تخت جمشید دست و پا داشت، رفیق کنان وسط خیابان می پرید و فریاد میکرد "من اجریم" نباید مسخره بنظر برسد اما باز هم زیاد سخت نیست. تصور حال روز فلان روشنفکر با اصطلاح انقلابی که با تحلیل شکست انقلاب از همه چیز دست میشوید و عرصه مبارزه طبقاتی را ترک میگوید. مارکسیسم انقلابی بیش از یک قرن است که بر این ذهنی گرائی روشنفکر مابانه خط بطلان کشیده است. مارکسیسم واقعی مدتهاست سراب رحمت اف چرنیشفسکی را به آب

سپرد هاست. وقتی مارکس میگوید پرولتاریا در انقلاب جز زنجیر هایش چیزی از دست نمیدهد در حقیقت حربه اتویک این سوسیالیستهای ظاهری از دستشان خارج کرده است. تمام خلایقیت مارکس در این بود که انگیزه های طبقاتی نغمه در صفحه ۸

# مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



# قانون

بفیه از صفحه ۱

مرحله تاریخی نسبت به سایر مراحل تکامل جوامع بشری یعنی برد هاری و فئودالسم تحسنت شد یدترین استثمار و ستم طبقاتی قرار می گیرد. در روند تولید بخش اعظم نیروی کار بصورت ارزش اضافی و تحت عنوان سود حاصل از سرمایه به حیب سرمایه دار جاری میشود. اما نیروی برای آنکه نتواند چرخ صنعت را تا مین کند یعنی پرولتاریا قدرت باز تولید مجد در ایازاید و تنهاد رحدی که بتواند ارزش از دست رفته رووند تولید را جبران کند، بخشی از محصول کار را تحت عنوان دستمزد به کارگر می سپرد از د.

بنابر این دستمزدی که پرولتاریا در ازای ناز طاقت فرسای روزانه دریافت میدارد در واقع ماحصل بخشی از نیروی کار خود اوست و بخش اعظم نیروی کار کارگران بصورت ارزش اضافی و بعنوان سود سرمایه نصب سرمایه دار میگردد. در روند تولید نیروی برای آنکه بر میزان سود سرمایه بیفزاید، از سوسی بر شدت کار و مدت کاری افزایش و از سوسی دیگر با استفاده از تکنولوژی پیشرفته تر ارزش اضافی را فزونی می بخشد و در عین حال به انحاء مختلف از حقوق و مزایای کارگران میکاهد. بالاخص در بحرانهای اقتصاد و در شرایط گسترش بیکاری این زمینه برای سرمایه داران فراهم میگردد تا در بدترین شرایط و کمترین دستمزد به استخدام بپردازند. در تمامی جوامع طبقاتی کلیه قوانین و مقرراتی که از سوسی دولت وضع میگردد مضمون حمایت از طبقات استثمارگر را خواهد داشت و هیچ استثنائی نیز متصور نیست و هیچگاه صاحبان سرمایه بر احثی حاضر به تفویض امتیاز کارگران نشده اند. تنها مبارزات پرولتاریا برای احقاق حقوق باعمال شده آنان قادر بوده است سرمایه داران را - وادار به عقب نشینی نماید.

پیش نویس قانون کار رژیم جمهوری اسلامی نیز نمیتواند در خطوط کلی از قوانین حاکم بر نظام سرمایه داری - مبتنی باشد الا اینکه بدلیل ماهیت ارتداعی رژیم شدت استثمار بر سبکی ارزش مطلق قرار گرفته است و نه ارزش اضافی نسبی. یعنی منای استثمار بر اساس افزایش ساعات کار

و حذف کلیه مزایا و کاهش دستمزد میباشد و نند تکنولوژی پیشرفته. در پیش نویس قانون کار منتشره از سوی وزارت کار "کلیه حقوق و حثسب استثنائی ترین خواسته های کارگران که طی سالها مبارزه در سطح بین المللی و در چارچوب جوامع سرمایه داری به رزمیهای مربوطه تحمیل گرد هاند، زیر پا گذا رده میشود. یعنی دستمزد، مزایا، بیمه های اجتماعی، ساعات کار، شرایط محیط کار و... همه و همه موکول به قرار داد فیما بین "اجیر و "مستأجر" میگردد و در واقع سرمایه دار مالک الرقاب کارگران محسوب میشود. رژیم رسما اعلام کرده است که این پیش نویس بر اساس "سبب اجاره" تنظیم شده است، طبیعی است که در این راستا و از این دیدگاه رژیم، حثسب برای کارگران که "اجیر" سرمایه داران هستند، نمیتواند متصور باشد. رژیم ارتداعی جمهوری اسلامی علنا پرولتاریا را بر د سرمایه دار می داند و این امر تا بد انجائیش می رود که در صفحه ۲ در پیش نویس اصلی میخوانیم: "اگر کسی را اجیر کرد ه باشد که دام مرابد و زد در رزمان معین، و در ورثه زد، میتانند از اجرت او چیزی را کم کند و لیکن کسی باید که فزانگر در کل اجرت را... (شرایع الاسلام مخفف حلی) و در صفحه ۱۳ آمده: "هرگاه اجیر قبل از خاتمه مدت عمل، موضوع اجاره را انجام دهد، شبیه دستخفای اجزه المسمی نیست مانند صورتیکه در مدت مقرر خاتمه یابد." (شرح قانون مدنی حائری شاه ماغ). این در مثال جد از کلمات بکار برده شده حاوی نکته ای است و آن اینکه اگر این اصل "فقهی" تعمیم یابد، کارگران بهره لیلی گنتوانند کارشان را انجام دهند مستوجب کاهش دستمزد هستند، اما در صورتیکه پیش از موعد موفق به انجام کار شوند، همان حقوق تعیین شده را دریافت میدانند! و این امر بر احثی دست سرمایه دار را جهت کاهش دستمزد تحت عناوین مختلف، باز میکند.

از دیگر مواردی که پیش نویس اصلی قانون کار به سرمایه داران توصیه میکند همانا پرداخت حقوق پس از اتمام کار است بطوریکه در صفحه ۳۵ پیش نویس آمده است: "وقتی اجیر خود را امد ه برای عمل نمود و مقدمات آنرا فراهم ساخت حقا میبایست مستحق تمام اجرت باشد و نیابست بین آنها فرق گذاشت و لکن نظریه احتمال عروضی موانع از استمرار عمل، عادت بر این جاری شده است که

اجرت را بعد از اتمام عمل میگیرند. (کلیات حقوق اسلامی مدنی - استاد محمد عبده).

شیفتگان سرمایه آنگنان در چار کجسری شده هاند که نمی فهمند کارگران همچون سرمایه داران، - اند و خسته ای ند آرند که بتوانند بد و ن دریافت مزد مد تنها کار کنند. تنها سرمایه آنها نیروی کارشان است که با فروش آن امرار معاش میکنند. بعلاوه در نظام سرمایه داری که کار فردی نیست تا پس از اتمام آن پرد اخنت دستمزد متصور گردد. حال برای اینکه پیش نویس جدید آقایان نیز توهم زان باشد چند مورد نیز از پیش نویس جدید که بآرنگ و لباس جدید اما با همان مضمون و محتوا منتشر شده است می آوریم. در ماده ۷ پیش نویس جدید میخوانیم: "اجرت المثل کار عبارت است از اجرتی که بر حسب متعارف و با ملاحظه شرایط زمانی و مکانی کار برای آن پرداخت میشود. اصلاح صحتی از حد اقل دستمزد نیست و تمام اختیارات با سرمایه دار است که در "شرایط زمانی و مکانی" یعنی در این وانفسای بیکاری بهره میزان که خواست کارگران را استخدام کند.

اگر بخواهیم مجموعه تفکر حاکم بر پیش نویس قانون کار و عبارت دیگر هدف رژیم از تدوین آن را در یک حمله خلاصه کنیم عبارت خواهد بود از کاهش هزینه های سرمایه داران در اشکال مختلف و شیوه های مختلف و این امر تا بد انجائیش رفته است که حتی طبقه بندی مشاغل نیز در اختیار کارفرمانهاد شده است: صاحبان کار میبظور ایجاد نظام فردی در کارگاه خود میتوانند با رعایت معین فسنرد یکسان برای کارهای مشابه مشاغل مختلف کارگاه خود را ارزیابی و از نظر اجرت طبقه بندی نمایند. و بیا بعبارت دیگر هر طور که منافعشان اقتضا کرد مسئله را فیصله دهند.

و اما در مورد مزایا: از جمله قوانینی که در رژیم گذشته سرمایه داران بخاطر افزایش تولید بآن تن داد ه بود - دستمزد و ویژه و سهیم شدن کارگران در سود کارخانجات و یاداشن و عیدی بود. گرچه صاحبان سرمایه به انحاء مختلف و با هزاران در و زو کنگ آنرا به حد اقل می رسانند از جمله با ارائه آمار قلابی، میزان درآمد کارخانه، تا حثی که میتوانستند از زیر بار این امر میگریختند اما بهر حال این قانون بصورتی تشبیت شده در آمده بود رژیم جمهوری - بقیه در صفحه ۴

وهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

# قانون

بقیه از صفحه ۳

اسلامی این را نیز محول به تصمیم سرمایه داران نمود است :  
 ماده ۶۱ - طرفین میتوانند ضمن قرارداد کار علاوه بر اجرت معین به منظور بالا بردن سطح کمی و کیفی محصول یا کار به هر صورت ممکن پاداش نقدی یا غیر نقدی تعیین کنند .  
 ماده ۶۲ - کارکنان برتنها استحقاق دریافت اجرت کار را داشته و در سود و زیان کارگاه سهیمند ، لیکن هرگاه در ضمن قرارداد کار شرط کنند ، کارکنان بر علاوه بر دریافت اجرت در بخش مسینی از سود کارگاه سهیم باشند ، شرط صحیح است .

طبق پیش نویس قانون کار حتمی حقوقی را که کارگران در سطح بین المللی طی سالها مبارزه چنگ آورده اند و حتی قوانین رژیم گذشته نیز ملزم به رعایت آنها بود ، از قلم افتاده است و طبق معمول این نیز به صاحب کار محول گشته است :

ماده ۲۲ - کارکنان بر می توانند ضمن قرارداد با صاحب کار شرط نمایند که او را از نظر عمر ، بیماری ، حوادث و از کار افتادگی و باز نشستگی و غیره بیمه نمایند .  
 طبیعی است که در وضعیت کنونی که بیکاری بیداد میکند ، جناب سرمایه داران با اخراجات بسیار دست جمعی استفاده امهائی جدید و کوتاه مدت ، تمامی این ماده را منقضی می سازد و رژیم حامی سرمایه داران نیز این حق را به او داده است .  
 گمانیکه روابط عمومی وزارت کار در پاسخ یکی از نشریات رژیم که از ترس کارگران مجبور به موضع گیری در مورد تأمین اجتماعی کارگران شده است ، میگوید :

"اما چاره اصلی مسئله تأمین اجتماعی پایه لفظ اسلامی ترتکاف اجتماعی که از ارکان عدالت اجتماعی اسلامی است چیزی دیگری است . مسئله تکافل اجتماعی یعنی کفالت فقرا - مساکین و از کار افتادگان ، کم درآمد ها ، بیماران و ... از وظایف همه مسلمین در دولت اسلامی است یعنی در سیستم حکومت اسلامی تأمین اجتماعی در بعد دارد . بعد مردمی و بعد دولتی . یا در بعد مردمی آن با رجوع به باب نفقات و زکوات و سایر ابواب فقهی بخوبی معلوم میشود که تأمین اجتماعی نیازمند آن ابتدا تابع عهد چه کسانی

از خویشان است و اگر آنان قادر نبودند ( اینجا بعد حکومتی تأمین اجتماعی مطرح است ) . . . و غالب است در شیوه مردمی که از بنیان با فرهنگ حاکم بر تأمین اجتماعی بسبک غربی و شرقی متفاوت است و قیفا موارد مختلف آن با جزئیات در احکام فقه بیان شده . . . ( جمهوری اسلامی ۱۰/۱۴ )

و اما تنها لطفی که در پیش نویس قانون کار مشمول کارگران شده ، حقوق ناها را خوردن است : کارمند یا کارگری که استخدام میشود تا طی مدت معین شده تنها برای استخدام کننده کار کند ، جایز نیست که در آن مدت برای خود یا برای دیگری کار کند ، مگر در برخی از کارهای جزئی که منافی با قرارداد استخدامش نداشته باشد ، مانند صرف ناها . ( تحریر الوسیله ،

رساله نوبین خمینی صفحه ۱۵ ) باید به این حایمان دروغین " مستضعفان " فهماند که صرف ناها جزئی از حقوق حیات هر فرد است ، حال چه شما اجازه فرمائید و چه نفرمائید . در همین رابطه در ماده ۳ آمده است که : " اوقات استراحت ، صرف ، غذا و . . . در صورت عدم تعیین در قرارداد بر اساس عرف معمول " که عرف معمول نیز تلویحا مفهوم تمایل سرمایه داران یا کارفرما میباشد ، تعیین میشود .

فصل هشتم قانون کار به حفاظت فنی و بهداشت محیط کار اختصاص یافته است . در ماده ۸۰ پیش نویس حدید آمده است : " صاحبان کار مکلفند مقررات مربوط به بهداشت کار و حفاظت کارکنان در محیط کار را در کارگاههای خود بموقع اجرا گذارند . " بظاهر تصور میشود که لا اقل سلامت کارگران در نظر گرفته شده ، اما در ماده ۸۱ ، تشکیل کمیته ای را جهت تدوین این مقررات توصیه میکنند که خود سرمایه دار این کمیته را تعیین مینماید و طبیعی است که چاقود ستایش رانی بر در پیش و قیچی هر دو در دست سرمایه دار است .

اگر به بند بند این پیش نویس اعم از پیش نویس اولیه که از کتب " ایات عظام " استخراج شده و وجه پیش نویس جدید که با تغییرات ظاهری بچاپ رسیده توجه کنیم ، حمایت آشکار و همه جانبه ای از سرمایه داران را بوضوح مشاهده خواهیم کرد . رژیم جمهوری اسلامی با ارائه چنین قوانینی سعی دارد به تمامی سرمایه های سرگردان و تمامی سرمایه داران فراری باج دهد تا بلکه تحت حمایت همه جانبه اش - حاضر به راه اندازی چرخ صنعت شوند و رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی را از بقیه در صفحه ۱۱

# یادداشت‌های

بقیه از صفحه ۱۴  
 اومصیبتی عظمای وی و تمامی سردمداران رژیم است بیاد آنان می آورد . و اما فرستجانی که در این دیدار بازنده گشته است و حتی امتیازات بدست آمده از سوی ولایت فقیه یعنی توسل به احکام شانویه را نیز از دست رفته می یابد در توجیه اختلافات فی مابین مجلس شورای نگهبان میگوید : " مجلس شورای اسلامی برای حل مشکلات فراوانی که دوران طاغوت برای این جامعه گذاشته و در بسیاری موارد ، خود را ملزم میدید که متوسل به احکام شانویه شود و شورای نگهبان برای ادای وظیفه مهمی باسناد آری از قانون اساسی و شرع مقدس اسلام خود را موظف میدید که حتی الامکان احکام اولیه اسلام مورد تضرع و خرد شه قرار نگیرد ، در تشخیص ضرورت گاهی به مشکل میرسیدیم . . . ( گنجان ۵ بهمن ) و باین ترتیب تلاش میکند تا عمق اختلافات را در حد برداشتهای متفاوت از احکام اسلام جلوه دهد . اما واقعیت اینست که با تشدید بحران اقتصادی و گسترش و حدت یابی تضاد های طبقاتی و رشد روز افزون نارضایتی توده ها ، جناح های مختلف حاکمیت بنا بر موضوع طبقاتی خود راه حلهای متفاوتی را جهت برون رفت رژیم از بحران همه جانبه و نجات حاکمیت از سقوط محتوم توصیه میکنند و طبیعی است که جناحهای درگیر درون حاکمیت در امر سرکوب توده ها و وحدت نظر و عمل دارند و اختلافات موجود نیز در چهار چوب تضاد های جناحهای مختلف بورژوازی بود و همضمون این اختلافات از این زاویه است که هر یک از جناحها راه حلهای برون رفت از بحران موجود را در شیوه های متفاوتی جستجو میکنند . و حال آنکه هدف همه آنها حفظ حاکمیت موجود و حراست از سیستم بورژوازی کنونی است . هر یک از جناحهای متخاصم دیگری را متهم به بی لیاقتی و ندامت کاری کرده و هر یک دیگری را عامل نابسامانیهای موجود قلمداد میکند . اگر مجلس دست به تصویب یک سلسله لوایحی نظیر بند " ج " و " د " و یاد دلتی شدن تجارت خارجی و محدودیت مالکیت میزند و با اصطلاح خواستار برخی رفرمهای بورژوازی است در قیفا از این زاویه حرکت میکند که حفظ و تدوم سیستم را در این رفرمها میبیند و شورای نگهبان که اینگونه مصویات را مردود اعلام میکند از این بقیه در صفحه ۱۱

گمبته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم



### پورسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۱

و اخراج ، مخالفت با مزدوران انجمن و رد انتخابات فرمایشی ، بدترتیب از درصد بالاتری برخوردار بود هاند . اما ، در شش ماهه اول سال ۶۱ درصد خواستهای سیاسی نسبت به گذشته مراتب بیشتر و نزدیک به در صد خواستهای صنفی میشوند ، در حالی که خواستهای صنفی همچنان رقم بالاتری را نشان میدهند . در این مقطع موارد زیادی خواستهای صنفی جزئی تر از آنچه در رجد اول آمده مطرح شده اند ، ولی از آنجا که مبارزه حول آنها به حرکات اعتراضی مشخصی نینجامید و در چند زمینه مطرح باقی مانده اند ، از برداختن به آنها خودداری میکنیم و به تشریح چهار مورد فوق الذکر میپردازیم .

۱- جلوگیری از کاهش دستمزد و مزایا و مقابله با سختی و شدت کار . . . : الف - جلوگیری از کاهش دستمزد و مزایا : علاوه بر تورم موجود و افزایش سرسام آور و مستمر قیمتها ، دولت از هر طریقی میکوشد تا هر چه بیشتر درآمد کارگران و کارمندان را کاهش دهد و به عناوین مختلف ، کمک به چند زندگان ، حساب ۱۰۰ امام و . . . جیب آنها را خالی کند ، حتی در مواردی با استفاده از سلاح سرکوب مستقیماً حقوقها را کاهش میدهد و بسیاری از کمک خرجی هارا که به عنوان گوناگون (سود ویژه ، عیدی ، پاداش ، حق اولاد ، کمک هزینه ، حق خواربار ، مهد کودک و . . .) به آنها تعلق میکرد ، قطع کرده یا کاهش داده است . در بهمن ماه ۶۰ در گزارشی از شرکت نفت کرمانشاه آمده است : "حقوق کارگران شرکت نفت کم شده در مورد علت آن مسئولین پاسخ میدهند که بودجه دولت کم است و از این پس گرایی منزل و حق کارگانی نیز ممکن است پرداخت نشود . همچنین شایع است که حق جیره خواربار هم قطع خواهد شد . در بسیاری از کارخانجات و همچنین ادارات ، مهد کودک تعطیل شده یا قرار شده است که بخش عمده هزینه آنرا که گاهی به ۷۰۰ تومان میرسد خود مادران بدهند . حق اضافه کاری یا کاهش یافته یا به زور برداخت میشود . در شرکت واحد رانندگان بعلاوه کمی حقوق و قطع مزایایی در پی استعفا میدهند و تعداد مستعفی ها روز بروز زیادتر میشود . " افزایش مستمر قیمتها و تلاش رژیم برای انداختن بار بحران

برداشت کارگران از طریق کاهش دستمزد و مزایای آنها و افزایش قیمت خدمات مثل بهای برق و آب باعث شد همیشه از پیش دستمزد واقعی کاهش یابد که این کاهش دستمزد در درگاهش قدرت خرید آنان مستقیماً تحکمی می یابد . در جزوه مدییران کارخانجات که جمع بندی "سمنار بررسی مسائل صنایع کشور" در شهر پیور ۶۱ است در این رابطه آمده است : . . . طبقه شایسته درآمد جامعه یعنی صاحبان پس اندازها ، بازنشستگان و حقوق بگیران در دوره ۶۰-۱۳۵۶ حدود ۷۰٪ قدرت خرید خود را از دست داده اند و در صورت عدم اجراء برنامه های مبارزه با تورم باید در انتظار سختی معیشت بیشتری باشند . بگذریم از اینکه کاهش قدرت خرید بسیار بیشتر از ۷۰٪ است و روز بروز نیز بیشتر میشود . کارگری از تولید دارو میگفت "روز بروز وضع خرابتر میشود هر روز قیمت جنسها بالاتر میرود کم کم در بیهوشی چیزی نمیتوانیم با این حقوق بخریم . افزایش دستمزدی هم که گاهی از سوی رژیم صورت میگردد قادر نیست توهمی در کارگران ایجاد کند . مثلاً در پی افزایش دستمزد ها بمیزان ۶ الی ده درصد در بهمن سال ۶۱ در گزارشی از واحد ، کارگران میگویند : "این چند درصدی که میخواهند حقوقها را اضافه کنند با سطح زندگی بیهیچ وجه درست در نمی آید . چرا حقوق بنده ۷۰ تومان باشد ولی سطح زندگی بالای ۱۰۰ تومان قرار گرفته باشد . البته لازم به تذکر است که آن ۷ یا ۱۰ درصد افزایش دستمزد فوق الذکر بهنگامی که در کنار تقلیل یا حذف بسیاری از مزایا و کمک هزینه ها و . . . و به همراه تورم روز افزون ، مایحتاج کارگران که گاه بیش از ۱۰۰٪ افزایش قیمت داشته اند مورد محاسبه قرار گیرد ، بیانگر کاهش شدید قدرت خرید کارگران خواهد بود ، خواستهای کارگران در زمینه دستمزد بدین ترتیب عمدتاً حول جلوگیری از تقلیل یا حذف کمک خرجی ها و مزایا مخالفت با کاهش مجموعه دستمزدشان است و با توجه به هجوم سرمایه داران و دولت حامی آنها به دستمزد و مزایای موجود کارگران و کارمندان حتی مبارزه آنها برای افزایش دستمزد جنبه وسیعی بخود نگرفته و در همان حد جلوگیری از کاهش دستمزد و مزایا باقی مانده است .

ب - مقابله با سختی و شدت کار و

جلوگیری از افزایش ساعات کار : سرمایه داران و رژیم حامی آنها از یک سونه شیوه های گوناگون حقوق و مزایای کارگران را کاهش میدهند و از سوی دیگر با افزایش شدت کار ، اضافه کاری ، تعطیلی پنجشنبه ها و . . . ساعات کار را نیز مستمراً افزایش میدهند و بدین طریق استثمار کارگران را بصورت وحشتناکی تشدید کرده اند . قسمتی از گزارش مرداد ماه کارخانه ایران ناسیونال در رابطه با افزایش سرسام آور شدت کار ، خود باندازه کافی گویاست : "تولید از ۳۵ دستگاه به ۱۲۰ دستگاه در روز افزایش یافته . . . کارگران یک قسمت و شیفیت شدند یعنی قسمتی کارگران در شیفیت روز کاری با ۲۰ کارگر تولید روزانه ۴۰ اسیلند میدادند با دوشیفیت شدن در هر شیفیت باید ۱۳ نفری ۱۲۰ عدد بدهند ، بطوریکه برخی از کارگران یکنفره باید با ۲ دستگاه کار کنند . با در گزارش دیگری آمده است : "در اثر فشار کار و خاموش نکردن دستگاه ها ، استهلاک ماشینها زیادتر شده است و قطعات یدکی موجود روبه اتمام است . در بنیها ۳ تن از زنان کارگر که برای عوضی کردن هوا چند دقیقه از محل کارشان بیرون میروند طی بخشنامه ای یک روز تنبیه حقوق شده و مواخذه میشوند . در بسیاری از کارخانجات مدت زمان صرف صحانه و ناهار را به یک سوم یا نصف کاهش داده و با وقت صحانه تراحت به کرده اند و از مدت زمان استراحت به طرق مختلف کاسته اند . در پارس الکتریک چند کارگر را مجبور کردند تا وقتهای استراحت و نماز را برای کار استفاده نکنند و گرنه اخراج میشوند . علاوه بر اینها هر جا که امکان داشته رژیم ساعات کار را با معطه افزایش نماید یا در غیر اینصورت تحت فشار مستقیم افزایش داده است و میکوشد تعطیلی پنجشنبه را بهر طریق ممکن لغو کند . در اردیبهشت ماه ۶۱ در ایران ناسیونال ، وزیر صنایع بخشنامه ای داده و تعطیلات پنجشنبه را ملغی میسازد . در اطلاعیه ای در یکی از کارخانجات صنایع استراتژیک آمده است : "کارگران پنجشنبه ها و جمعه ها حتماً باید سرکار حاضر باشند ، در صورت غیبت ۲ روز حقوق آنها کسر خواهد شد ."

در مجموع بطرق گوناگون ساعات کار را افزایش داده اند ، بطوریکه در اکثر کارخانجات اسماً ۸ ساعت کار در روز میباشد بقیه در صفحه ۶

## هر چه گسند ده تاد اتحاد عمال و نه های مترق و انقلاب



اما با احتساب افزایش مدت وسختی کاریش از ۹ ساعت در روز و ۴ ساعت در هفته که کار میکنند. در مقابل این فشارها کارگران با سببه‌های مختلف مقاومت و مبارزه کرده‌اند که نمونه‌های برجسته آن در جدول آمده است. مسأله علوی که در این رابطه مبارزات حول آنها در دسترس است، کاهش مدت وسختی کار، جلوگیری از افزایش ساعات کار، جلوگیری از لغو تعطیلاتی ها، جلوگیری از حذف وقت استراحت و... است. که همه اجزاء مختلف از یک خواست کلی تر یعنی کاهش ساعات کار میباشند.

۲- جلوگیری از اخراج و دستگیری

از ۳۰ خرداد بعد موج اخراج و دستگیری کارخانجات و ادارات را فرا میگیرد. این موج بقدری گسترده است که فقط در طول یکسال گذشته بیش از ۶۰۰۰۰ کارگر را شامل میشود (از کارمندان ادارات قبلی در دست نیست). از این تعداد درصد بالایی با اخراجیون است. کلیه پیشروان جنبش کارگری در صورت کمترین شک اخراج شده‌اند و توده کارگران و کارمندان عادی به دلایل مختلف و با سببه‌های بسیار جزئی از این بلا در امان نبودند. البته کسانی که به دلایل نمودنا سیاسی اخراج شده‌اند مانند فعالین سیاسی، نمایندگان سرتیپی، پیشروان حرکات اعتراضی معتدضین آگاه، به نسبت تعداد کل اخراجیون در اقلیت میباشند. اکثریت با کسانی است که به علت تعطیل واحد ها، تشدید کار در نتیجه کاهش نیروی کار، استخدام جدید با مزد کمتر، استخدام نیروی جدید در جهت پراکند کردن کارگران قدیمی و در نتیجه تجزیه تشکلهای سابق و... اخراج شده‌اند که یا مستقیماً ازاد شناخته شده یا خرید شده‌اند و یا به آنها تنگ‌های مختلف ضد رژیم، اخلال گری، طاغوتی و عبتان زدند. اما در مجموع چه بین کارگران، چه بین کارمندان، هر کس که اخراج میشود سیاسی شناخته شده است. اکثریت مردم اخراجیون را همه آنها را با شرف و انقباض میداند (مگر در مواردی که فرد اخراجی از طرف اران رژیم باشد که به علت خاصی اخراج گریبان ترا گرفته است. کاری در همین رابطه میگفت: اخراجی ها انسانهای انقلابی هستند که در این شرایط مبارزه کرده‌اند، روزی

پژوهی اشکال . . .

بقیة از صفحه ۵

نوبت آنها خواهد شد.

در بررسی روند کمی و کیفی اخراج و دستگیری پس از ۳ خرداد، قابل توجه است که در تاسمان ۶۰ یورش رژیم عمدتاً شامل فعالین سیاسی است. در این مقطع موج دستگیری بر موج اخراج غلبه دارد. از این منظر، بعد موج دستگیری نسبتاً کاهش می‌یابد اما موج اخراج گسترش یافته و در کارگران را در بر میگیرد، سیاسی و غیر سیاسی، پیشرو و عقب مانده همه در این موج غرق میشوند و جو عدم امنیت شغلی بر تمامی موسسات کارخانجات و واحدهای دولتی و غیر دولتی حاکم میگردد. در حالیکه بیگاری بیدار میکند، وحشت از اخراج چنان گسترش می‌یابد که تهدید به اخراج و اخراج شکل عمدتاً هر کس میشود و سلاح اخراج، برنده ترین و عمومی ترین سلاح هر کس طبقه حاکم علیه مزد بگران ثابت میشود. در این جهت ماده ۳۳ قانون شاهنشاهی جماعت کارفرمایان و مدیران میباشند. در مقابل این سلاح افسار کارمندی بسرعت عقب مینشینند و کمتر مقاومت و اعتراض میکنند، اما کارگران در غالب موارد فعالانه برخورد کرده‌اند و حرکات اعتراضی داشته‌اند (با شدت و ضعف) اما علت ضعف پیشرو و عدم سازماندهی حرکات اعتراضی و وجود رقابت بر سر اشتغال در بین کارگران، ترس از اخراج و احساس ضعف، کمتر موفق بوده‌اند. حرکات مقطعی بوده و سریعاً با اخراج عده دیگری فرو خوابیده است. شش ماهه اول سال ۶۱ با تغییر و تحویلی در این جو همراه است، هر چند که عدم امنیت شغلی همچنان بعنوان یکی از مهمترین مشکلات کارگری و کارمندی باقی میماند. اما احساس ضعف کاهش می‌یابد و ترس از اخراج در مقایسه با مقطع قبلی افت میکند. اخراجهای یورش چنان گسترده و همهگیر میشود که حتی افسار عقب مانده و حزب اللهی را نیز شامل میشود و صدای اعتراضی آنها را نیز بر می‌آورد. در بررسی و پاسخ نمایندگان شوراهای انجمنهای اسلامی با وزیر کار یکی از کارگران میگوید: . . . کارگران حزب اللهی را اخراج میکنند بدون

اینکه آنها پولی بدهند یا دست برای آنها مقرر نمیکنند. زن و فرزندان، چه ساعتی گردانند، زندگی آنها چگونه باید تامین شود. (کجهان ۱۸/۸/۶۱) و اینکه "اخراج مشتری است نه برای هر خانه میجواید" و "فردانوبت ماست". این مسئله روحیه همدردی و همبستگی را بیش از پیش گسترش میدهد. در زمان تری از راه آهن آمده است: "وقتی یکی از کارگران اخراجی به کارخانه می‌آید، کارگران بدون ترس از زدن بران میآیند خبرچینان به درون آنها حلقه میزنند و مانند بروانده درون آنها میگردند و ساپا گوش هستند که حرفهای رفقای اخراجی خود را بشنوند". این روحیه همبستگی و همدردی، مبارزه برای بازگشت اخراجیون و جلوگیری از اخراج و دستگیری را گسترش میدهد. در نتیجه وزیر کار هم محصور میشود. البته در لغافه ماده ۳۳ - به آن اذعان نمائید: "کارفرمایان طبق ماده ۳۳ قدیم کارگران را اخراج میکنند و از طرفی هم اکنون همه اعتراضات روی ماده ۳۳ است". (کجهان - ۲۴/۸/۶۱)

مبارزات کارگران در این رابطه در نیمسال اول سال ۶۱ به نسبت نیمسال دوم ۶۰، افزایش می‌یابد. گسترش مبارزات، اما از موج اخراج و دستگیری نمیکاهد، چرا که رژیم با استفاده از ارتش عظیم و خیره کار مستران نیروی کار را با نیروی جدید الاستخدام تعویض میکند. مبارزات پراکنده نیز بی‌درین به اخراج عده دیگری می‌انجامد. نکته قابل توجه اینست که، خواستههای جلوگیری از اخراج و دستگیری و بازگشت اخراجیون و زنده انیان اگر چه سیاسی هستند اما در محدوده صنعتی باقی میماند کارگران خواهان بازگشت اخراجی کارخانه خود یا خواهان آزادی همکار خود میشوند، اما هیچ موردی گزارش نشده است که بازگشت اخراجیون یا آزادی زندانیان سیاسی در کل مطرح شده باشد. هم از این روست که علیرغم اینکه این خواستهها سیاسی هستند اما مبارزاتی که حول آنها صورت میگیرد، به علت اینکه صرفاً ظرفیت بسیج کارگران یا کارکنان یک واحد و یا یک صنعت را دارد، صرفاً سیاسی نبود بلکه ترکیبی از مبارزات سیاسی - اقتصادی هستند. از این گذشته در همان محدوده کارخانه یا واحد مورد نظر هم این خواستهها، کارگران اخراجی و زندانی ماههای گذشته شامل نمیشود. اخراج و دستگیری یک یا چند همکار را لحظه دیگران را بغیر از صفحه ۷

رژیم جمهوری اسلامی را باید بایک اعتصاب عمومی سیاسی و قیام مسلحانه برانداخت



### پرسی اشکال . . .

بقیه از صفحه ۶

خود را از این ارگانها در مجموع بصورت تحریم فعالیتها آنها، عدم توجه به اطلاعاتها و بخشنامه های آنها و طرد عناصر تشکیل دهنده آنها نشان میدهند. بصارت دیگری بصورت تدافعی به مبارزه منعی علیه آنها دست میزنند. در گزارشهای میخانیم: "شرکت کارگران در سخن رانیها حتی سخنرانی خزعلی و جنی بسیار محدود بود. انجمن - اسلامی مجبور شد درهای ورودی - کارخانه را ببندد تا کارگران راه خروج نداشته باشند و مجبور شوند در سخنرانی شرکت کنند". در مراسم روز کارگر که انجمن اسلامی ترتیب داده بود کارگران شرکت نکردند. خودشان شیرینی خریدند و بخش کردند. در پارس مثال: طبق بخشنامه ساعات کارتفصییر میکند اما کارگران بدون توجه به بخشنامه کار را طبق ساعات قبلی شروع و به اتمام میرسانند. در بعضی کارخانجات نیز مبارزه برای اخراج عناصر از این ارگانها شکل گرفته است مانند کارگران کفش بلا که در مهرماه ۶۰ خواستار اخراج سرپرست انجمنی میشوند یا کارگران پنها که در بهمن ماه اخراج رئیس حفاظت را مطرح میکنند و . . . از محلات نیز مواردی خلع ید از یادی رژیم و نهاد های فرمایشی از توزیع مایحتاج، گزارش شده است. البته هنوز مبارزه منعی در مقابل این ارگانها به نسبت مبارزه برای انحلال این ارگانها بیشتر است. از گزارشات واصله تنها در ۳ مورد، آذرماه ۶۰ در ایران یاسا، تیر ۶۱ در امپرووری سفید رود و صنایع الکتریکی مجتمع البرز، مبارزه مشخص برای انحلال انجمن اسلامی صورت گرفته است.

در تباه قسمت دوم مقاله تحت عنوان: "اشکال مبارزات کارگران زحمتکش و شیوه سرکوب سرمایه داران و رژیم حامی آنها" در شماره ۱۶۴ به چاپ خواهد رسید.

مخالفت با هیئت نظارت و . . . در انتخابات شرکت میکنند اما این موارد نه از جهت قبول انتخابات و تشکلهای حاصل از آن، بلکه عمدتاً بصورت تاکتیکی در مبارزه با انتخابات فرمایشی و اعمال قدرت در مقابل آن است. این نکته قابل تعمق است که شرکت کارگران در انتخابات در این مقطع ماهیتاً با مقاطع قبل بالاخص قبل از ۳۰ خرداد، متفاوت است. کارگران در مقاطع قبل با چشم انداز تصویه و تصحیح شوراها موجود، در انتخابات شرکت میکردند، اما در این مقطع آنها معمولاً شیوه تحریم را برمیگزینند آنچه هم که شرکت میکنند با چشم انداز منعی در مقابل ضد انقلاب حاکم حرکت میکنند.

۴- مخالفت با انجمن اسلامی، اداره حراست (حفاظت) و - و اختیافی حاکم بر کارخانجات

انجمنهای اسلامی و شوراها فرمایشی بصورت زائده آنها و اداره حراست (حفاظت) بصورت بازوهای اطلاعاتی - جاسوسی ساوا و سپاه به شدت ترین صورت جواختی و پلیسی را بر کارخانجات و ادارات و مدارس و . . . حاکم کرده اند. این ارگانهای ارتجاعی با استفاده از زجرهای دستگیری، جاسوسی و خرابی جنی، تشکیل بسیج یا کشته مسلح، تفتیش بدن، اخراج و پاکسازی در بعد وسیع، کنترل حجاب، فشار به اقلیتها، مذهبی، نماز اجباری و . . . فضای شدید پلیسی ایجاد کرده اند. در اغلب دستگیریهای کارگران - بخصوص پس از حوادث ۳۰ خرداد، انجمن و شورای اسلامی در خالت داشته و اکثر بیکر علناً به جاسوسی و خرابی - جنی میپردازند. در این میان بیشترین نفرت کارگران متوجه انجمن اسلامی است. آنها کاملاً در ریافته اند که انجمن اسلامی در پیوند با مدیریت نقش سرکوب کارگران و دفاع از منافع رژیم را دارد. کارگران نفرت خود را از مزدوران انجمن اسلامی با تمسخر افراد آن، افشاکری در مورد سوابق آنها و له زدن آنها نشان و مخالفت با مراسم فرمایشی و اجباری از قبیل نماز و . . . نشان میدهند. اداره حفاظت نیز که عمدتاً پس از ۳۰ خرداد بازنشسته شده است و بیشتر در نقش بازوی اطلاعاتی دولت عمل میکند، اگرچه نه باند از انجمن اسلامی اما به حد لازم افشاء شده است. کارگران نفرت

به مقاومت و مبارزه برمی انگیزد اما وقتی مبارزه به موفقیت نمیرسد و چون مدتی از آن میگذرد، خواست نیز مشمول هم و رزمان میشود و مبارزات در این رابطه به شکل پیوسته و عمومی صورت نمیگیرد. در مهرماه ۶۰ در استار لایت وقتی مبارزه برای بازگرداندن عمکار اخراجی به اخراج ۵۸ نفر دیگر منحصر میشد، حرکت بی پایان میرسد. حرکت ۶۰ از این در اعتراض به سختی کار شکل میگردد و اعتماد و تجمع بعدی برای بازگرداندن ۶۰ کارگر اخراجی صورت میگردد و در جریان همان حرکت اعتراضی ۱۶۰ آنان اخراج شده اند و ۵۸ نفر اخراجی همراه جزء خواست های این حرکت منظر و رتبه میشود. این مسئله از یکسو نشان میدهد سطح کنونی مبارزات کارگران و از سوی دیگر بیانگر سرخوردن خودی و نه برنامهریزی و هدایت شده این مبارزات است.

۳- رد انتخابات فرمایشی

۳۰ خرداد میآمد های آن، باقی ماند و توهم کارگران را نسبت به شکل های فرمایشی رژیم چون شوراها، انجمنهای اسلامی و انتخابات موقوف تا اینکه نه ارگانها از ایل ساخت. در این پرونده کارگران بخوبی ناظر شدند این ارگانها بعنوان استبداد جنی، تفتیش و تخریب فکری و سرکوب در دست سرمایه داران بوده و در تجربه آنها رانگی میکنند. تحریم اعمال، با منفعول انتخابات اینگونه ارگانها بالاخص از یازین ۶۰ و ادرسیر نمودی خود میشود. مخالفت با انتخابات فرمایشی شوراها و انجمنهای اسلامی، هیئت نظارت و . . . به صورت مختلف در کارخانجات، ادارات، مدارس و روستاها، مشاهده شده و اعتراضهای جمعی را شکل میدهد. از سال ۶۱ تحریم فعال بر تحریم منفعول غلبه میکند و علاوه بر کارگران، سایر اقشار خلق نیز عمدتاً برخوردی فعال به تحریم در اشکال مختلف آن میکنند. در مرداد ماه در گزارشی از فرفره زیاد رایسن رابطه آمده است: "در انتخابات انجمن اسلامی اکثر کارگران شرکت نکردند، حتی کاندیدا هم معرفی نکردند فقط یک نفر خودش کاندیدا شد. کارگران انتخاب نمایند برای جلسات انجمن را انتخاب جاسوس میدانند". البته در مواردی (که نمونه هایی از آن در جلد اول آمده است) کارگران با معرفی کاندید مستقل یا

## پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

وستن . . .

بقیه از صفحه ۲

سطوح سیر حرکت طاهری این یا آن  
حریان اجتماعی بیرون کشید ، مارکس  
بصوح نشان داد که سادترین و -  
حزبی ترین عمل هر عنصر یا هر جریان  
کوچک سیاسی هیچگاه احد از گرایشات  
طبیقاتی درونی این حریانات نیست .  
اونایت کرد که هر مبارزه تاریخی در  
شما می عرضه ها جز نمود ارکم و بیش روشن  
مبارزه طبقات جامعه نیست .  
این است حقیقت قانونمند مبارزه  
تاریخی طبقه کارگر که او را بعنوان  
بیکمترین و سازش ناپد برترین نیروی  
انقلاب از دیگر اقشار و طبقات اجتماعی  
ستایز میسازد . در صورتیکه روشنفکر  
انقلابی در شرایط خاصی از شدت  
سازیه طبقات چه بسا جدا افتش عناق  
سینود و صحنه مبارزه را ترک میکند و  
این در حقیقت بستگی تام و تمام به  
موقعیت اقتصادی ، اجتماعی این دو  
و درک متغای نشان از این موقعیت دارد .  
بمبارزه طبقه کارگر هیچگاه از حوزه عمل  
اجتماعی اثر ارزندگی تولید را اثر -  
جد انیست . از همین رو یک کارگر  
هیچگاه در هیچ شرایطی نمیتواند  
حد را منتزع و جدا از کارش تصور کند .  
او حتی آن زمان که آگاهی طبقاتی می یابد  
به مبارزه آگاهانه نظریه سلسله سرمایه و  
ستم بورژوازی بر میخیزد از این روند  
جد انی افتد . لنین میگوید :  
گشکشیها یا اقتصاد سیاسی آنقدر  
نیار میشود ، آنقدر مترکم میشود ،  
آنقدر توسعه مییابد و شدت پیدا  
بیکند تا بصورت مبارزه مسلحانه بیک  
صده نظریه ضیفه در بر دمی آید کارگر  
خود بن را بکارش و زندگی مبارزاتی اش  
استه می بیند و با آن در یک کیفیت  
آرکانیک قرار میگیرد . از نظر او مبارزه  
ادامه زندگی است ، خود زندگی  
است . از این رو یک کارگر هیچگاه و در  
هیچ زمان روی همه اقرار نمیگرد : هیچ  
گاه در چار حلا ، نشیبه و باصطلاح  
شاید انیکند ! ماهمین جا از  
روشنفکری که در شرایط باصطلاح  
سنت مبارزه مسئله در آمده است  
میرسیم آیا . ساعت کار یکناخت  
هنگی بیک کارگاه پسندگی اسان  
است . آیا قابلیت زمانه روزی بیک  
کارگر معدن در سختی و تاریکی مخاطره  
انگیز نیست ؟ چرا عدت با امسا  
مبارزه بی امان برای تبدیل . ساعت  
کار طاقت فرمایه . ساعت بمراستب  
آمانتر است . مبارزه برای رهائی از  
تید و بند های سرمایه فقط ما اسانتر  
است ، مقاومت سرسختانه در زیر

و جنبانه ترین شکجه ها برای آزادی  
از بندگی و مبارزه برای بدست  
گرفتن سرنوشت خویش مسلما اسانتر  
است . . . در صورتیکه برای بیک  
روشنفکر خرد بورژوا که نه از حوزه عمل  
فعال اجتماعی ، نه در ادامه براتیک  
بوزمره زندگی تولیدی که صرفا از روی  
آگاهی به حوزه عمل سیاسی کشیده  
شده است سختی مفهوم در پی می دارد .  
او نمیتواند و نباید یاد نیای گذشته -  
خوب ( یعنی زندگی غیر فعال ) قطع  
را بگذراند و این قطع ارتباط الزاما  
نمیتواند عوارض تبعی خود را به همراه  
نداشته باشد . بخصوص در شرایطی  
که رشد مبارزه طبقاتی شرایط بسیار  
در شعاری را ایجاد میکنند و اشکال  
بیچیده تری بجهت میگردد یاد شرایطی  
که سرکوب و اختناق سیاسی باج خود  
سرمد این عوارض بگانه های آشکارتری  
در انگیز پارهای از این نیروها میشود .  
مبارزه نامحدود و ممتد است و توان  
طبقاتی خرد بورژوازی محدود و .

راه انقلاب راهی سر طولانی  
است . آنان که به پیروزی زود رس -  
می اندیشند ، زود تر از نفس می افتند .  
ما تا کنون باران نیمه راه بسیار را بر سر  
حای نهادیم . فقط ما تا پایان راه  
باران کم نفس دیگری را نیز بر حای  
خواهیم نهاد .

ما دام که بورژوازی نابود نشده  
است ، ما دام که تولید کوچک کالایی  
و اقتصاد خرد وجود دارد ، سنن ناشی  
از مالکیت خصوصی و گرایشات خرد  
بورژوازی مطمئنا از بیرون و بیرون  
جانش کارگری بد آن اسباب خواهد شد  
رساند . اما علیرغم همه این تزلزلات و  
نایگیریها که در انگیز این یا آن نیروی  
خرد بورژوا میشود پرولتاریای انقلابی  
تنها با پشتیبانی از کمکشان شهر و  
روستا با پشتیبانی اقشار پایین و میانی  
خرد بورژوازی است که قادر خواهد  
بود قدرت ارتجاع را درهم بکوبد .  
تنها با این پشتیبانی است که میتواند  
حقوق و مکراتیک توده های مردم را در  
انقلاب کنونی تامین نماید . انقلاب  
علیرغم همه خیانتهایی که از درون و  
بیرون با آن روبرو بوده و سبب است  
بی سابقه ای یافته است . انقلاب باید  
نیروهای بازهم وسیعتری را در برگیرد  
باید تلاش کرد باید از یاناستاد . باید  
با همه ضعفها و تزلزلات فاطمانه به  
ستیز برخاست . باید نشان داد که  
پرولتاریا در این مضاف تنها نیست .  
ما میتوانیم و باید شعر عظیم خود را با  
همه شیاری و شکستی انقلابی در مبارزه  
عظیم انقلابی در آمیزیم ، پرولتاریا  
باید قدرت را بدست گیرد . پرولتاریا  
باید انقلاب را به سرانجام قطعی اش  
برساند .

کمکهای مالی دریافت شده

مبلغ	کد
۱۱۲۰۰	نوال - سمکو
۱۱۵۰۰	جوهر زمی اسکندر
۲۰۰۰	ر - ۲۵
۲۰۰۰	سمکو
۲۰۰۰۰	ن - ۲۲
۱۳۰۰۰	ن - ۴۲۵
۵۰۰۰	ش - ۵۵۵
۵۰۰۰	ش - ۵۵۵
۱۵۰۰۰	سعید سلطانپور
۱۰۰۰۰	ش - ۸۸۸
۵۰۰۰	ن - ۲۸۲
۳۲۰۰	نروه مسعود
۱۵۰۰	نروه مسعود
۲۰۰۰	۲ پتوویک ایرکت
۲۶۵۰	زهرار
۱۵۰۰	تصحیح پیوزش : در کار کد
۵۰۰۰۰	ن - ۲۸۲ ، ریال صحیح است .

اطلاعیه

بدینوسیله ما اطلاع کلیه رفقای  
هوادار سازمان میسرانیم : رفقای  
هوادار سازمان در خارج از کشور پیش  
از ضربات اسفند ماه اقدام به انتشار  
نشریه "جهان" (انگلیسی) هواداران  
سازمان در امریکا و آمریکا نمودند و  
سازمان در نشریه کار ضمن معرفی این  
نشریه از این اقدام انقلابی رفقا در  
جهت تبلیغ مواضع سازمان ستایش  
کرد اما شماره نشریه کاری که به معرفی  
جهان پرداخته بود در ضربات اسفند  
ماه به تاراج رژیم رفت . پس از ضربات  
بد نیال و قهقاری که در انتشار نشریه کار  
پیش آمد ، کدهای مالی رفقای هوادار  
سازمان در خارج از کشور در نشریه  
جهان بچاپ رسید که مورد تأیید  
سازمان میباشد . از آنجا که سازمان  
در جهت بوجود آوردن تشکیلات  
خارج از کشور اقداماتی بعمل آورده  
است و در آینده تشکیلات سازمان  
در خارج از کشور حرکت خواهد نمود  
بدیسی است تصمیم مقتضی درباره  
درج کدهای مالی به رفقای تشکیلات  
خارج از کشور محول میشود و انتشار  
کدهای مالی در نشریه کار یا نشریه  
جهان ممنوع به تصمیم تشکیلات  
خارج از کشور میباشد . از اینسار  
رهتد به ریخ از طرف تشکیلات  
خارج از کشور داده خواهد شد .

کمیته امور مالی و  
تدارکات سازمان . . .





# خطاب به مبلغین ۹

سر ویس برابر میکنیم. رفیق عقب طوری نیم خم می شود که بتواند از شیشه سر ویس و یا از درب آن (اگر باز باشد) اعلامیه ها را بداخل سر ویس بیندازد. پس از آن سرعت را زیاد کرد و سر ویس جلویی و همینطور ترتیب سر ویسهای بعدی می رسم در پخش رعایت نکات زیر کاملاً ضروری است.

— درست قبل از نیم خیز شدن رفیق عقب جهت پخش رفیق را نند باید با آینه خود بطور دقیق پشت خود را چک کند و یا مشاهده موتور یا ماشین مشکوک پخش را متوقف سازد.

— با مشاهده مورد مشکوک صبر میکنیم تا از ما سبقت بگیرد و سپس کار را ادامه میدهم باید توجه داشت در موقع پخش حتی الامکان پشت سرمان وسیله نقلیه کمتری باشد.

— رفیق پخش کند باید طوری پخش کند که تا حد ممکن بیرون نریزد و دستش را بداخل سر ویس نبرد (ممکن است دست او را بگیرند)، اعلامیه ها را طوری به سقف اتوبوس بگوید که بداخل سر ویس کاملاً پخش شود و بصورت دسته ای نیفتد.

۳- پخش در اتوبوسهای شرکت واحد: این شیوه برای مواقعی است که میخواهیم در حد اقل وقت پخش وسیعی در سطح شهر انجام دهیم. این شکل از عمل چون معمولاً در شلوغترین و زحمتکش نشین ترین محلات شهری است برخورد ما را با نیروهای گشتی زیاد میکند و باید حد اکثر مراقبت در موقع پخش بعمل آید و به مجرد دیدن موردی مشکوک در اینها از محیط خارج شده تصفیة آنهایم. پخش اتوبوس تقریباً مانند پخش سر ویس است جهت روشن شدن تفاهاتهای مختصر آن بیک گزارش پخش اتوبوس واحد توجه کنید:

مسیر: پشت پارک شهر، میدان سپه، سعدی

صبح ۱۰ دقیقه به ۷ بار رفیق در ضلع شمالی پارک شهر قرار داشتیم. وقتی به محل رسیدیم رفیق پیاده سمت شرق میرفت. به او نزدیک شدیم و سوارش کردیم. به آینه نگاه کردیم و ماشین و بیک موتور از عقب می آمدند کمی سرعت را کم کردیم تا رد شدند. بعد سرعت را زیاد کرده قبل از تمام السلطنه سه اتوبوس ایستاد نبودند که در تالی آنها تقریباً پر بود بداخل آنها دو بسته ۱۰ تایی پخش کردیم بعد از درب اتوبوس در وصف طولانی بود که در هر یک ه عدد پخش کردیم سپس با سرعت از محل خارج شدیم. در خیابان سپه بیک تصفیة کردیم و میدان سپه رفتیم در آنجا ایستگاههای زیاد اتوبوس است وارد محوطه شدیم در وصف را که از همه شلوغتر بود انتخاب کردیم و شروع به پخش کردیم جمعا ۷ بسته ۱۰ تایی آنجا پخش شد. سپس سر یما محل را ترک بقیه در صفحه ۱۰

۲- پخش سر ویسهای کارخانجات: این شیوه معمولاً برای کارخانه هایی که در جلوی درب آنها امکان پخش وجود ندارد استفاده میشود و مختص چند ماهه رسال است (در هوای سرد کارگران پنجره های سر ویس را می بندند) فرق این پخش با کارخانه در اینست که این پخش در بیک مسیرونه یک محل مشخص و ثابت صورت میگیرد. سر ویسها بطور کلی مسیر مشخص دارند که میتوان با شناسایی مسیر آنها محلها ی مناسبی را برای پخش انتخاب کرد در مورد شناسایی مسیر سر ویس باید موارد زیر را در نظر داشت.

در ساعت تعطیل کارخانه از نزدیک کسی محل کارخانه شروع به تعقیب سر ویسها میکنیم این کار را چند روز انجام میدهم تا تمام مسیرهای آن کارخانه بهمراه محلها ی توقف اتوبوسها شناسایی میشود. (اگر رفقای بداخل کارخانه مسیرها را در اختیار هسته های موتور قرار دهند بسیار مناسبتر است)

— سپس چند مسیر برای پخش انتخاب میشود این مسیرها باید دارای مشخصات زیر باشند: در مسیر کمیته نباشد، مسیرها در خیابانهای شلوغ باشد (که سر ویسها نتوانند سریع از محل خارج شوند)، بیشترین تعداد سر ویس از آن مسیرها عبور کنند.

— پس از انتخاب مسیرها نوبت به شناسایی آنها میرسد. یکبار در موقع که سر ویسها در حرکتند بدنیاال آنها رفته محلها ی توقف، چراغهای خطر، محلها ی پیاده کردن، محلها ی که سرعت کم دارند و... را شناسایی میکنیم. بار دیگر در موقعیت مناسب مسیرهای قرار و خروج از محیط را بررسی میکنیم. سپس به ترسیم کروکی میپردازیم در کروکی باید به این موارد توجه شود: محل پخش در حد ممکن در ابتدا ای مسیر باشد (نزدیک به کارخانه) در غیر اینصورت عده زیاد از سر ویسها پیاده شده اند و پخش بازدهی خوبی ندارد، در محل کمیته نباشد، سر ویس در آنجا کمی معطلی داشته باشد (چراغ قرمز، سربالایی، محل پیاده کردن، ترافیک...)، ساعت دقیق رسیدن به محل باید مشخص باشد و گرنه اشکال ایجاد میگرد (معطلی و یار شدن سر ویسها)

پس از رسم دقیق کروکی منطبق با شناسایی کامل و تعیین محلها ی پخش آنها در هسته مطرح کردیم. محلها و مسیرها را به تصویب هسته و رفیق مسئول میرسانیم.

پس از این عمل به پخش اقدام میکنیم. پخش به این صورت است که در زمان رسیدن سر ویسها در محل حاضر میشویم و به تعقیب سر ویسها میپردازیم با سرعت زیاد به کنار آنها می رسم سرعت خود را با

# خطاب...

بقیه از صفحه ۹

کردیم. در همین پخش مرد ۳ ساله‌ای سوار بر موتور و سپا در گوشه میدان ایستاد نبود وقتی از جلوی او رد شدیم نگاهش به ما و نگاهش به اعلامیه‌ها انداخت اما اصلاً متوجه نشد. جماعتی افتاد داشت (چون کل پخش در میدان کمتر از ۱ ثانیه طول کشید) اعلامیه‌ها تمام شد در ۱۲ ثانیه پس از تصفیه کردیم. کل پخش با تصفیه ۱۲ دقیقه طول کشید.

۴- پخش در مدارس: بعثت نبودن افسران مسلح بسیار آسانتر است. ابتدا باید راسماً مشخص کرد مسیر راه‌های ورود و خروج آنرا شناسایی کرد ساعت دقیق تعطیل مدرسه را باید می‌گفتیم. پخش باید حدود ۵ دقیقه پس از خوردن زنگ مدرسه انجام شود. اگر ساعت عمل زود باشد امکان پاره کردن اعلامیه‌ها توسط دربان وجود دارد و اگر دیر باشد دانش‌آموزان بسیاری رفته‌اند. پس از تعیین روز پخش (و مسلماً پس از شناسایی روز و تصویب گروهی) حدود ۳ دقیقه قبل از پخش رفا در نزدیکی محل یکدین را می‌بینند (رفیق پیاده اعلامیه‌ها را حمل میکند و رفیق موتور سوار شناسایی نهایی را انجام میدهد) اگر مدرسه مورد نظر در کوچه فرار آید میتوان اعلامیه‌ها را بصورت افشان به هوا پرتاب کرد. در غیر این صورت بهتر است آنها را در شلوغترین وقت تجمع آرام در گوشه‌ای بیندازیم تا دانش‌آموزان آنرا ببینند. ضرورت این عمل در اینست که پخش هر چه پوشیده‌تر باشد احتمال خطر کمتر است.

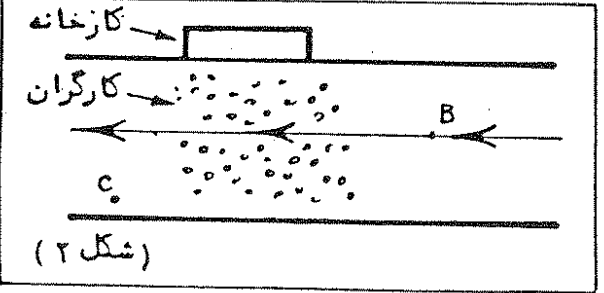
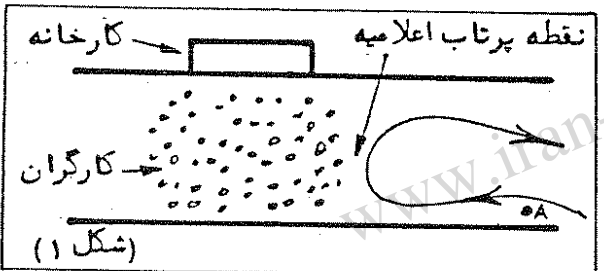
رفقا وقت کنید که حدود بیست متر مانده به محل پخش رفیق عقب شروع به بیرون آوردن اعلامیه‌ها بکند تا در موقع پخش در چارمغلی و اشکال نشوند. برای بستن اعلامیه‌ها بخصوص در پخش سرویس و اتوبوس عموماً هر ۱ اعلامیه تا خوردن را لای یک اعلامیه دیگر می‌گذاریم و بسته‌های ۱۶ عددی ایجاد شد هر اکتار هم در پاکت یا هر پوشش دیگر قرار میدهم تا براحتی بتوانیم آنها را خارج کنیم.

موارد دیگر پخش موتوری: به غیر از مواردی که توضیح داده شد موارد گوناگونی از پخش موتوری وجود دارد که بستگی به خلاقیت و ابتکار رفقا دارد مثلاً پخش در صفاهای خواروبار، جلوی سینماها، محل تجمع کارگران بیکار و... مثلاً و تن از رفقای موتوری مفید آری اعلامیه را از بالا پیل سید خندان به پایین ریخته بودند که برد بسیاری داشته است.

علاوه بر توضیحاتی که از جزوه پخش موتوری نقل شد باید در مورد این شیوه از توزیع نیز به حمایت مسلحانه اشاره نمود. در این رابطه در صورت وجود تیم‌های و نفره پخش موتوری میتوان در وهله اول رفیق عقب را به سلاح کمری و احیاناً نارنجک مسلح نمود در صورت دسترسی رفیق راننده را نیز به سلاح کمری و نارنجک مسلح کرد. استقامت

سلاح در این شرایط تنها در صورت برخورد سه گشت و با وجود تعقیب مسلحانه صورت بگیرد. و همواره در صورت امکان خروج از محیط در تیرگی احتساب مینماییم. اما شکل پیشرفته تر عمل توسط یک تیم چهار نفره انجام میشود. که در حقیقت عبارت است از یک تیم و نفره توزیع موتوری و یک تیم و نفره موتور سوار جهت حمایت مسلحانه تیم دوم در این شرایط به سلاح کمری و نارنجک و در شکل پیشرفته جهت پخش‌های بسیار حساس و - ضربتی به یوزی سلاح میباشند. در این شیوه تیم دوم در فاصله‌ای که کاملاً بر موتور اوک مسلط باشد آنرا تعقیب میکند و مسئولیت حفاظت از رفقا را عهده دار است این عمل در پخش سرویس و اتوبوس براحتی قابل اجراست در مورد کارخانه و مدرسه چون پس از پخش اعلامیه‌ها جمعیت حاضر در محیط حساس میشود عبور موتوری در آنرا میان جمعیت

ممکن است تولید خطر نماید از اینرو باید کوشید با گروهی پخش طوری تعبیه شود که مسیر پخش گردد باشد (شکل ۱) در این صورت موتور محافظ در نقطه A مستقر است و پس از پخش به تعقیب موتور توزیع میبرد از. و با در صورت عدم امکان (شکل ۲) در قسمت B موتور محافظ از موتور پخش جلو میزند و در نقطه C مستقر میشود در عین توجه به محیط پخش پس از اتمام پخش در عقبه مسیر موتور را محافظت مینماید.



در این شکل از محافظت (وجود تیم محافظ) قدرت ابتکار، تسلط بر صحنه، انتخاب لحظه و شکل وارد شدن به درگیری، و قدرت غافلگیر کردن مزدوران بسیار افزایش می‌یابد.

در تمامی اشکال حمایت مسلحانه باید به نکاتی که در حمایت مسلحانه توزیع پیاده ذکر شد توجه کامل گردد.

ما در اینجا به اشکال پیشرفته تر عمل چون پخش نیمه‌علنی مسلحانه، سخنرانی توده‌ای با حمایت مسلحانه و یا پخش‌های ضربتی مسلحانه نمیرد ازیم.



## قانون . . .

بقیه از صفحه ۴

بحران عمیق اقتصادی اجتماعی نجات بخشد. اما سرمایه امنیت می‌خواهد و رژیم نیز علیرغم سرکوبها، کشتارها، شکنجه‌ها و موج عظیم دستگیریها قادر نیست جزیره ثبات و امنیت سرمایه‌داران را فراهم سازد. توده‌ها که در تجارت با عقلی خود به ماهیت ضد خلقی و ارتجاعی رژیم پی برده‌اند و طی سالها مبارزه تجارت گرانیهائی اند وخته‌اند، تسلیم مطامع رژیم نمیشوند و با مبارزات اوج یابنده خود سرنگونی رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را نوید میدهند.

ماد رژیم را ارائه جد ولی، به یک مقایسه اجمالی از حقوق کارگران در رژیم گذشته و پیش نویس کنونی، میبرد ازیم و

برنامه عمل سازمان را که کارگران باید در این مرحله از انقلاب حول خواست‌های ارائه شده در آن بمبارزه بر خیزند ارائه میدهم. طبیعی است تحقق این خواستها تنها با سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دموکراتیک خلق امکان پذیر خواهد بود. در این رابطه رفقای هوادار - سازمان باید ضمن افشای بند بنده پیش نویس قانون کار با ارائه خواست‌های کارگران مندرج در برنامه عمل، توده‌ها را دعوت بمبارزه حول برنامه عمل سازمان نمایند. این امر میتواند حتی از طریق پخش تراکت‌های دست نویس در محیط کار و یاد ر محلاتی که کارگران زندگی میکنند صورت گیرد.

### یادداشت‌های بقیه از صفحه ۴

دیدگاه ناشی میشود که معتقد است اگر چنانچه چنین رفرم‌هایی صورت گیرد رژیم پایگاهش در میان سرمایه‌داران و زمینداران و تجار بزرگ تضعیف شده و سرمایه‌ها امنیت لازم را نخواهند داشت و راه اندازی همه جانبه سیستم سرمایه‌داری وابسته با اشکال مواجه خواهد شد و بالنتیجه تدوین حیات رژیم مستلزم دفاع از منافع آنان است حال اگر خمینی در این دعوی قدرت ضمن دعوت جناح‌های متخاصم به سازش، در وجه غالب جانب شورای نمایان را میگیرد از این جهت است که او نیز دریافت کرده است که کار رژیم از فرم گذشته است و باید برای تدوین حاکمیت کنونی به حمایت آشکار از سرمایه‌داران و تجار و زمینداران بزرگ برخیزند و این همان سیاستی است که از مدتها پیش رژیم بکار گرفته است و تنها راه نجات خود را نیز در این سیاست یافته است.

## جدول مقایسه حقوق کارگران در رژیم گذشته، جمهوری اسلامی و برنامه عمل سازمان

از دیدگاه سازمان ما مندرج در برنامه عمل	رژیم جمهوری اسلامی	رژیم گذشته	
تعیین حداقل دستمزد از طریق نمایندگان کارگران و منطبق با سطح هزینه‌های زندگی و هر ۶ ماه یکبار بر اساس هزینه زندگی تعیین مجدد میشود	اصلا تعیین نشده موکول به شرایط زمانی و مکانی نامعلوم	حداقل هزینه یک زن و مرد و فرزند را تکا فوکند	حداقل دستمزد
۸ ساعت کار و ۱ ساعت در رفته با احتساب ساعت صرف غذا و ایاب و ذهاب جزو ساعات کار	موکول بقرارداد	۸ ساعت در روز ۱ ساعت در رفته، اوقات صرف غذا و استراحت جزو ساعات کار نیست	مدت کار
در روز در رفته یکماه در رسال مرخصی	یک روز در رفته	یک روز در رفته ۱۲ روز در رسال	تعطیلات
مسکن برای همه کارگران - از طریق مصادره مساکن سرمایه‌داران و با از طریق وامهای دولتی بهداشت و درمان رایگان سرویس عمومی بیمه خد مان و بازنشستگی . . .	موکول به قرارداد و تمایل کارفرما	مسکن در مورد کارخانه‌های بزرگ و سرویس بیمه رحدی محدود	امکانات رفاهی: مسکن - سرویس بهداشت و درمان ایمنی کار - بیمه صدمات و بازنشستگی
کاربرانی همه کارگران و بیمه بیکاری برای کارگران شاغل و بیکار	---	---	حق اشتغال و بیمه بیکاری
حق اعتصاب و اعتراض و تحمض	---	---	حق اعتصاب
کنترل کارگری از طریق شوراهای تولید و توزیع	---	---	ارگانهای تشکیلی مستقل کارگران و نقش آنها در تولید

# بیانیه شرکت کنندگان در کنفرانس آبان ماه ۱۳۶۱ شاخه کردستان

جنبش انقلابی خلق کرد بر ستر  
جنبش سراسری خلقهای ایران لحنات  
حساس و سرنوشت سازی را میگذراند  
رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی پس از  
پیش و حشیانه و همه جانبه مبارزات  
کارگران و زحمتکشان و انقلابیون سراسر  
ایران با این سری کلیه دستاوردهایی  
که توده ها در جریان قیام شکوهمند و  
خونین بهمن ۵۷ بدست آورده بودند  
و پس از حمله و منشاخه خود به نیروهای  
انفجری، اینک برای تکمیل این سرکوب  
ها، یورش خود را به کردستان  
وسیمترو سازمان یافته تر نمودهاست  
رژیم تصمیم دارد این سنگرمبارزه  
برای آزادی را که تنها سنگردفاع  
سلاحخانه از آزادی نه فقط در ایران  
بلکه در خاورمیانه میباشد و تأثیرات  
سزائی در جنبش سراسری خلقهای  
ایران دارد را خاموش سازد و حاکمیت  
ننگین خود را در تمام شئون زندگی  
اجتماعی مردم کردستان تثبیت  
ساید همچنین رژیم از این یورش  
وحشیانه این هدف را تعقیب میکند  
که نت حبه نیروهای انقلابی سراسری  
را نابود و استفاده از مناطق آزاد شده  
در کردستان را برای نیروهای انقلابی  
ایران و منطق قهر ممکن سازد. درک  
شرایط حساس کردستان از این جهت  
که این سرکوبها در ارتباط و همسو با  
سیاست عمده امپریالیسم جهانی  
بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و  
صهبتیسم که همانا تعرض همه جانبه  
به انقلاب در منطقه میباشد، نیز از  
اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا  
پس از یورش امپریالیسم مبارزات  
انقلابی خلق فلسطین و لبنان و  
سلفیتهائی که این یورش در پی داشت  
و تا استهیی از مهمترین کانونهای  
انقلابی در منطقه یعنی مبارزه انقلابی  
خلق فلسطین و لبنان را موفتاد چار  
شکست نماید و بویژه با فروکش جنبش  
های انقلابی دیگر منطقه جنبش  
انقلابی و دمکراتیک خلق کرد بعنوان  
تنها جنبشی که بطور مسلحانه در سطح  
منطقه باقی ماند و علیه ارتجاع و  
امپریالیسم مبارزه میکند، دارای اهمیت  
ویژه ای است که نیروهای انقلابی باید  
با آن برخورد جدی داشته باشند.

در رابطه با این وضعیت کنفرانس  
آبان ماه شاخه کردستان سجدقضا  
شاید مشخص کنونی را مورد ارزیابی  
قرار داد و به یک تحلیل مشخص از  
شرایط کنونی دست یافت شرکت  
کنندگان کنفرانس اعتقاد دارند که

شرایط کنونی جامعه ایران بنحویست  
که سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری  
جمهوری دمکراتیک خلق هنوز در  
دستور کار انقلابیون ایران قرار دارد  
زیرا جامعه ایران در یک دوران انقلابی  
بوده و کشاکش انقلاب و ضد انقلاب  
خود ویژگی شرایط کنونیست. از این  
رو جنبش ملی دمکراتیک خلق کرد در هر  
وضعیتی که از نظر نظامی قرار گیرد تا  
هنگامی که جنبش وضعی در جامعه ای  
ایران حاکم است باید استراتژی  
خود را سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی  
قرار دهد در همین رابطه و بنا به  
شرایطی که بطور مشخص در منطقه به  
وجود آمده باید توجه داشت که در  
شرایط کنونی امکان دست یابی به  
مناطق عمده تحت اشغال رژیم  
وجود ندارد (مرحله تعرض استراتژیک)  
ضمن اینکه تن دادن به موضع دفاعی  
مطلق نیز عدم توجه به چشم اندازهای  
احتمالی در آینده جنبش میباشد. از  
این رو نیروهای انقلابی باید خود را به  
طریقی سازمان دهند که در صورت هر  
تغییری در موازنه نیروها در جارسردر  
گمی نشوند. باید در نظر داشت که  
هرگاه تعرضات رژیم بهمن صورت  
ادامه یابد و در سراسر ایران ما شاهد  
جنبش وسیع توده ای باشیم در  
کردستان نیز مناطق آزاد شده  
محدود تر خواهد شد و از این روشکلی  
عمده جنگ به جنگ پارتیزانی  
تبدیل خواهد شد در چنین حالتی یک  
دوران گذار از تعادل استراتژیک  
به دفاع استراتژیک بر سر قرار  
انقلابیست. بنا بر این تاکتیک ما باید  
ضمن دفاع فعال و همه جانبه از مناطق  
آزاد شده، ایجاد واحدهای متحرک  
پارتیزانی و ضربه زدن به نقاط پشت  
جنبه و نیز تبدیل نقطه قوتها ی رژیم به  
نقطه ضعفهایش باشد. همچنین  
نیروهای انقلابی باید با اتحاد عملهای  
گسترده در جهت ایجاد هسته های  
مخفی مقاومت در شهرها و روستاهای  
تحت اشغال رژیم اقدام نمایند تا  
ضمن بالا بردن قدرت و کارائی نیروهای  
انقلاب، با سازماندهی توده های  
مردم و ایجاد تاکتیکهای مناسب،  
رژیم را فرسوده تر نمایند تا در شرایط  
مناسب و در پیوند با جنبش سراسری  
ستوان تعرض همه جانبه را علیه همه  
پایگاهها و مراکز سرکوب و ستم رژیم  
سازمان داد.

شرکت کنندگان در کنفرانس بر این  
اعتقاد دارند که

فلس تأثیرات وسیع خود بر جنبش  
سراسری خودی خود و دستهای قادر  
به بسیج رژیم و دستهای بشپه روی  
نخواهند بود از این رو جنبش توده ای  
سراسری در پیروزی یا شکست جنبش  
انقلابی خلق کرد تا تعیین کننده ای  
دارد. بنا بر این ما از رفقای سازمان  
در بخشهای مختلف میخواهیم که  
اولاً فعالیت خود را در جهت  
سازماندهی مبارزات توده ها و بویژه  
جنبش طبقه کارگر برای سرنگونی رژیم  
همچنان پیگیرانه ادامه داد و از هر  
طریقی که میتواند برای رژیم در رابطه  
با سرکوب خلق کرد، محدودیتها و  
تنگناها بوجود آورند. ثانیاً در جهت  
ایجاد امکانات بیشتر و جلب کمکهای  
مادی و معنوی مردم سراسر ایران برای  
جنبش انقلابی خلق کرد و شناختن  
کردستان سازمان با اقدامات اساسی  
مبادرت ورزند. شرکت کنندگان در  
کنفرانس بر این اعتقادند که در برابر  
یورش همه جانبه و منسجم نیروهای  
سرکوبگر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی  
نیروهای جنبش هنوز در برابر تشنگیهای  
مختلف بسر میبرند که از بیطرف رینت  
در رکهای غلط از جنبش ملی از طرف  
نیروهای سراسری و از طرف دیگر در  
رابطه با گرایشات قدرت طلبانه و تنگ  
نظرانه نیروهای محلی جنبش خلوه  
کرد میباشد. در این شرایط حساس  
کلیه نیروهای جنبش باید با درک  
صحیح این وضعیت در جهت اتحاد  
عملهای انقلابی و حتی فراتر از آن در  
جهت ایجاد یک جنبه متحد انقلابی  
که در برگیرنده کلیه نیروهای انقلابی  
حاضر و فعال در جنبش باشد، حرکت  
نمایند.

شاخه کردستان سازمان چریکهای  
فدائی خلق ایران ضمن تأیید  
سیاست سازمان منی سراسری و ادین  
به اتحاد عمل با نیروهای سراسری خود  
۲ تأکید میکند در کردستان با توجه به  
وضعیت نیروهای موجود و مسئولیت  
نیروها اولویت با نیروها نیست، گه نفتر  
تعیین کننده ای در جنبش خلق کرد  
دارند.

شرکت کنندگان در کنفرانس معتقدند  
که، جنبه متحد انقلابی متشکل  
تمامی نیروهای انقلابی میتواند و طاب  
زیر این عهد بگیرد.

الف: همکاری و هماهنگی و اتحاد  
عمل در زمینه دفاع از مناطق آزاد شده  
ضربات نظامی در مناطق تحت اشغال  
رژیم به ارگانهای سرکوب و نیز ایجاد  
یک ستاد مشترک برای عملیات نظامی

ب: ایجاد یک کمیته اطلاعات برای  
گردآوری کلیه اطلاعات نظامی  
امنیتی و... و بکارگیری آنها در  
عملیات نظامی.



### جنبش

بقیه از صفحه ۱۴

### پیانیه

ج : ایجاد کمیته های مخفی  
مقاومت در شهرها و روستاها تحت  
اشغالی رژیم .

د : ایجاد يك کمیته مشترك  
تلیفات برای گسترش تبلیغات و  
رساندن صدای جنبش انقلابی خلق  
گرد به همه مردم ایران و سراسر جهان .  
در این زمینه ضرورت دارد ، در صورت  
امکان ، امکانات را در یونی کلیه نیروها  
در يك شبکه را در یونی قدرتمند متمرکز  
شود .

ه : ایجاد يك کمیته مشترك روابط  
خارجی برای جلب و جذب همکاری  
نیروها و کشورهای انقلابی و مترقی سراسر  
جهان .

و : ایجاد يك کمیته مشترك  
تدارکات برای بسیج همه نیروها و  
کمکهای مردم در جهت کمک رسانی به  
جنبه های جنگ .

نیروهای انقلابی ورزنده ! اکنون  
وقت آن رسیده که از قدرت طلبی ها ،  
تنگ نظریها و . . . که تاکنون متأسفانه  
در انگیزه های نیروها بوده ، پرهیز نمود  
و متکی بر برنامه انقلابی و برای پاسخی  
کوئی به نیازهای مبرم جنبش  
و مکرراتیک خلق کرد دست در دست  
یکدیگر علیه رژیم ضد انقلابی جمهوری  
اسلامی مبارزه قهرمانانه مردم کردستان  
را در راه آزادی و خود مختاری به پیش  
ببریم . دشمن ما یک سی است ،  
امپریالیسم و ارتجاع و راه یکی است  
و آنها هم مبارزه متحد ، یکپارچه و  
مصممانه ، پس باید برگزینیم راه سخت  
و طولانی را و کوتاه کنیم این راه را با  
پیکار خونین خویش .

پیروزی مبارزات قهرمانانه خلق  
کرد در راه آزادی و خود مختاری

نابود باد امپریالیسم جهانی  
بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه  
داخلی

مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی  
برقرار باد جمهوری د مکرراتیک  
خلق

شرکت کنندگان در کنفرانس جوانان  
ماه شاخه کردستان - سازمان  
چریکهای فدائی خلق ایران  
۲۱ آبان ۱۳۶۱

آمار خسارات و تلفات وارده به  
دشمن به این شرح است :  
۳ نفر کشته ( جسد یکی از بهلاکت  
رسیدگان متعلق به ستوان سوم  
براتی معاون فرمانده پایگاه قوچان ،  
افسر اداری سیاسی ایدئولوژیست  
ژاندارمری بوکان بود ) ، ۱۵ نفر  
زخمی و ۱۱ تن اسیر . اسامی اسرا  
شرح زیر است :

- ۱- همایون عباس نژاد ، ۲- مسعود  
سبیلی ، ۳- محمد هادی نوچه  
۴- علی صفر کوروند ، ۵- حمید رضا  
سهیل نقشی ، ۶- منوچهر بقائی ،  
۷- علی محمد ترک ، ۸- امیر مستوری  
۹- محمد ثابتی ، ۱۰- خضبان  
حیدری ، ۱۱- نور محمد فخری .

- خسارات وارده  
۱- انهدام کامل يك دستگاه جیب  
فرماندهی . ۲- آسیب رسانیدن به  
يك دستگاه زینل . ۳- انهدام  
يك تانکر نفت متعلق بشركت نفت

- غناج بدست آمده
- ۱- تفنگ ژ . ۳ ، ۲ ، ۱ قیصه . ۲-  
خشاب ژ . ۳ ، ۲ ، ۱ عدد . ۳- فشنگ  
ژ . ۳ ، ۲ ، ۱ عدد . ۴- سرنیزه  
ژ . ۳ ، ۲ ، ۱ عدد . ۵- بیسیم بی -  
آر - سی ۷۷ ، ۲ دستگاه .

و مقدار زیادی وسایل و پوشاک نظامی  
در این عملیات فقط یکی از رفقای  
پیشمرگ زخمی سطحی برداشت که  
خوشبختانه حال وی روبه بهبود است .  
برابر آخرین اطلاع واصله دشمن فردای  
روز نبرد به روستای سرایورش برده و  
فهره خانه بین راه و یک دستگاه مینی بوس  
و چند اتومبیل شخصی را به آتش  
کشید و تا چنین وانمود کنند که این  
اعمال زشت توسط پیشمرگان قهرمان  
صورت گرفته است غافل از آنکه اینگونه  
حربه ها و تیرنگها برای خلق قهرمان  
کرد افشاگر دید و حنای رژیم ارتجاعی  
رنگی ندارد .

**در تکثیر و توزیع آثار  
سازمان بکوشید**

برق آسای پیشمرگان  
در لایه های سنگین های دشمنان خلق هر  
کینه کس اله ملی را از آنان سلب کرده  
بود و با سقوط بود در پیش سنگرهای  
سرکوبگران تعداد تلفات آنان بیشتر  
میشد . در این اثنایک جیب فرماندهی  
که حامل معاون فرمانده پایگاه قوچان و  
هفت مزدورد یکربود با آتش مسلسل  
فرزند آن خلق روبرو گردید و در همان  
لحظات اول در و تن از آنان بهلاکت  
رسید و خود رود رچند قدمی پیشمرگان  
از حرکت باز ایستاد . در این لحظات  
مسافرین جاد مسافر - بوکان در فاصله ای  
نه چندان در و زشاهد حماسه آفرینهای  
پیشمرگان در لایه فدائی بودند . قلبهای  
انان برای فرزندانشان ، برای فرزندان  
که پرچم سرخ آزادی را باید بر فراز  
غله های بیخون نشسته گرد ستان  
عمچنان برافراشته دارند می طیبند .  
چشمهای در انتظار میدیدند که چگونه  
غدا اثنای خلق دشمن زبون و بزدل را  
یکی پس از دیگری بر خاک می افکندند .  
فریادهای دشمن شکن و فریاد عدل آسای  
مسلمهای این ارجان گذشتگان را  
شنیدند و برای آنان آرزوی پیروزی  
میکردند .

لحظات شکرده مندی بود دشمن از  
هر سردر محاصره افتاد و مجال حرکت  
نمی یافت تا اینکه بعد از مدتی صدای  
مسائل کالسیر . و قوای کمکی مزدوران  
رسید اما در یگرد یر شد بود و نیروهای  
باقی مانده آنان کشته یا زخمی گردیده  
بودند و آن تعداد باقی مانده نیز گه  
تاب مقاومت نداشتند ، یکی پس از  
دیگری با روچه های شکست خورده با  
بلند کردن تفنگهایشان تسلیم رفقا  
میشدند . در ضمن يك تانکر حامل  
نفت رژیم نیز توسط پیشمرگان متوقف  
گردید . برف و کولاک مجال انتقال  
خود روها و تانکر به غنیمت گرفته شد و  
نمیداد و پیشمرگان ناگزیر به انهدام  
آنها شدند .

در حالیکه از پایگاههای دشمن ،  
منطقه خمماره باران میشد ، قوای کمکی  
دشمن شکست خورده نیز با دادن  
تلفاتی چند مجبور به عقب نشینی  
گردید .

رفقای پیشمرگ سرود خوانان و -  
استوار تر از همیشه راهی پایگاههای  
خود گردیدند و در سر راه مورد استقبال  
گرم روستائیان زحمتکش منطقه و مسافرین  
راه قرار گرفتند .

## حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



# یادداشت‌های سیاسی ...

خمینی:

## تشریح مجلس در حمایت سرمایه و متابعت از شورای نگهبان

شدید روز افزون اختلافات جناح‌های مختلف هیئت حاکمه که نسبت از رشد و گسترش روز افزون بحران اقتصادی و سیاسی حاکم بر جامعه میباید اینبار در بروز اختلافات خاد بین مجلس و شورای نگهبان خود نمائی کرده است و این تضادها نباید انجاستی رفته است که اساساً مصوبات مجلسی که ساخته و پرداخته خود رژیم میباشند، از سوی شورای نگهبان عمدتاً و توشیحده و مورد اعلام میگردد.

و مجلس که به وضوح میبیند به شریبی یال و در می بدل گشته است برای حلال بن بست کنونی به سراغ خمینی میروند. اما برخلاف انتظار می بیند که خمینی تصمیم گیری بر روی احکام ثانویه که چند ی پیش از سوی او به مجلس سپرده شده بود مستلزم آراء و سوم نمایندگان نمونه و عملاً ملغی میکند. هاشمی رفسنجانی رئیس مجلس در سخنانی که در حضور خمینی مطرح میکند ضمن تعریف و تمجید از وکلای مجلس میگوید: "با این حالتی که در نمایندگان هست و با این اعتمادی که به مجلس میشود کرد ما امید داریم امام توجه کافی نسبت به این مجلس میدول دارند و بر راهنمائیی های پدرانسه و رهبرانهای که تا حال داشته اند اضافه نمایند. . . اگر مجلس شورای اسلامی در کارش موفق شده این موضوع که در نیای امروز فرنیها تبلیغ شده بود اد بیان آسمانی نمیتوانند محوری برای زندگی اجتماعی مردم باشند و به فکر منابع قانونی دیگر افتاد بودند رد میشود. . . ما میتوانیم یک سلسله فنانین برای جامعه وضع کنیم و میتوانیم یک الگوئی در زیر سایه شما (امام امت) به جهان ارائه دهیم. " (کیهان ۵ بهمن ماه) رفسنجانی در این سخنان سعی دارد به خمینی هشداد دهد که اگر به مجلس و وکلای بی توجهی شود نه تنها اسلام که سایر ادیان آسمانی نیز بخش اجتماعی خود را از دست میدهند! و نقش مجلس را به شما به ارگانی تعیین کنند در پیروزی یا شکست اسلام در آیند ه تلقی میکند. سپس خمینی بنا بر سنت و روش -

همیشگی خود که همانا سازش بخشیدن بین جناح‌های مختلف حاکمیت است، اینبار نیز ضمن دعوت از دو جناح متخاصم به صلح، به نحوی زیرکانه، جانب شورای نگهبان را گرفتار و رفسنجانی و سایر نمایندگان را باطاعت از این ارگان دعوت میکند و تعدیل به احکام ثانویه را نیز از سوی مجلس مستلزم دو سوم آراء نمایندگان اعلام میدارد و میگوید: "اگر چند مرتبه مردم ببینند که در مجلس انتهائی را که فرستاد ه اند در مجلس و همفراجه لیاقت می شناسند اینبار ای هائیی میدهند که فقهای شورای نگهبان برای خاطر مخالفتش با اسلام رد میکنند خوب، در شان شبهه پیدا میشود. . ."

(همانجا) و به نمایندگان مجلس توصیه میکند که قبل از تصویب هر قانونی برای آنکه شورای نگهبان آنرا رد نکند با آنها یعنی شورای نگهبان مشورت کنید و بند و بست هارا انجام دهید و سپس تصویب نمائید و خلاصه کلام اینکه صریحاً میگوید: "باید بشکلی رای داد ه شود که حد اکثر در سال ۲۰۰۰ لایحه از شورای نگهبان رد شود و . . . (همانجا). اینرا نیز از آن جهت میگوید که مسئله سازش های پشت پرده و نمائیشی بودن مجلس فرمایشی از انظار پوشیده همانند وگرنه توصیه صریح او اینست که: " . . . رای هائی که شما میدهید، مشورتها زیاد باشد. بلکه گاهی وقتها با بعضی افراد شورای نگهبان مشورت کنید و بعد از اینکه مشورت شد و این امور انطور شد. . . در بگره شورای نگهبان رد میکنند و نه مردم ناراضی میشوند (همانجا) و با این ترتیب علناً مجلس را به تالیفی از شورای نگهبان و عبارت دیگر بیه زائده آن بدل میسازد.

سپس خمینی در پی این توصیه ها جناح شای متخاصم را بصورت وحدت فرآخته اند و ه ه شداد امید هده که: "اگر یک وقتی مردم توخیا بیان ریختند و شعار بر ضد ما دادند، شعار بر ضد گسانی دادند آنوقت چه مصیبتی است. " (همانجا)

خمینی با این جملات، یکبار دیگر به جناح‌های درگیر رون حاکمیت فرمان آتش بس میدهد و خشم انقلابی خلق را که بقول بقیده رصفحه ۴



## جنبش انقلابی خلق کرد

بر اساس رهنمود سازمان مبنی بر ضرورت انتشار نشریات و خبرنامه های محلی (مندرج در کار ۱۵۳)، شاخه کردستان سازمان اقدام به انتشار نشریه ای محلی بنام ریگای گهل (راه خلق) کرده است. ماضمن ارزوی توفیق هر چه بیشتر رفقای شاخه در تهیه این نشریه و استمرار انتشار آن، سعی میکنیم تا مهمترین اخبار گزارشات مندرج در آنرا در نشریه کار منعکس نمائیم. گزارشات زیر نیز به نقل از شماره ۱ (دوره جدید) ریگای گهل از رماه ۶۱ منتشر میگردد.

### عملیات جسورانه پیشمرگان قهرمان فدائیی

چند دسته از پیشمرگان قهرمان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران پس از یک جوله در مناطق پشت جبهد شمن در بعد از ظهر روز ۱۴/۹/۶۱ منطقه وسیعی از جاده سفز - بنگان واقع در نزدیکی روستای سرا راه گتتری خود در آوردند و به کمین مزدوران نشستند.

پس از مدتی گروهی از خود فروختگان که ما مور تا مین جاد همد کور بودند توسط یک دسته از پیشمرگان جان بر کف فدائی به محاصره درآمدند و به دنبال آن یک خود روزیل که بقصد جمع آوری افراد مذکور آمد ه بود به کمین افتاد ه مورد اماج گوله های پیشمرگان قرار گرفته و تمامی افراد آن کشته یا زخمی گردیدند و او ای سرود های انقلابی رفقای پیشمرگ همراه با شعار ه ای مرگ بر خمینی، مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی در هدم آمیخته بود و به صحنه نبرد شکیوه دلایل خاص داده بود، تا حدم بقیده رصفحه ۱۳

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق